

نقش زنان افغانستانی در انتقال ارزش‌های فرهنگی

به نسل‌های بعد در مهاجرت

صدیقه اکبری^۱

چکیده

نقش زنان در انتقال ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی به نسل‌های بعدی در جوامع مهاجر، به‌ویژه در میان جوامع سنتی، اهمیت ویژه‌ای دارد. بررسی نقش زنان مهاجر افغانستانی، در فرایند انتقال ارزش‌های فرهنگی در شرایط مهاجرت، هدف این مقاله است که با روش تحلیلی و توصیفی، چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی این زنان را در جوامع میزبان تحلیل کرده است. در این راستا، علاوه بر بهره‌گیری از داده‌های میدانی، تحلیل داده‌های ثانویه نیز به کار گرفته شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که زنان مهاجر افغانستانی به‌دلیل پیشینه سنتی خود، نقشی محوری در انتقال سنت‌ها و ارزش‌های دینی و اجتماعی ایفا می‌نمایند. در فرایند مهاجرت با چالش‌ها و فرصت‌های متعددی مواجه هستند و نمونه‌هایی از تجربه‌های موفق و ناموفق در این زمینه قابل مشاهده است. پیشنهاد برخاسته از یافته‌های این تحقیق این است که توانمندسازی زنان از طریق آموزش و افزایش آگاهی می‌تواند نقشی کلیدی در تقویت این فرایند ایفا کند.

کلیدواژه‌ها: زنان افغانستانی، ارزش‌های فرهنگی، مهاجرت، فرصت‌های مهاجرت، چالش‌های مهاجرت، زنان مهاجر

۱. دکتری کلام اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران

ایمیل: akbarisedigheh2@gmail.com

مقدمه

مهاجرت افغانستانی‌ها به کشورهای مختلف در دهه‌های اخیر به‌ویژه در پی بحران‌های جنگی و اقتصادی، به یکی از بزرگ‌ترین پدیده‌های اجتماعی تبدیل شده است. در این میان، زنان افغانستانی به‌عنوان کانون خانواده، نقشی بی‌بدیل در حفظ و انتقال ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی به نسل‌های بعد ایفا می‌کنند. با این حال، مهاجرت چالش‌ها و فرصت‌های جدیدی را برای زنان افغانستانی ایجاد کرده است که تأثیر عمیقی بر هویت فرهنگی آنان و نسل‌های جوان دارد. این مقاله به بررسی چگونگی تأثیر مهاجرت بر نقش زنان افغانستانی در حفظ و انتقال ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی به نسل‌های بعدی می‌پردازد. این هدف با روش کلان‌تحلیل داده‌های موجود در پژوهش‌های میدانی، پیگیری می‌شود. همچنین تلاش خواهد شد تا با استناد به مطالعات علمی و تجارب میدانی، راهکارهایی برای تقویت این نقش به‌ویژه در جوامع مهاجر پیشنهاد شود.

پژوهش‌هایی در خصوص نقش زن افغانستانی در مهاجرت و وضعیت و نقش‌های مختلف وی در این شرایط صورت گرفته است. از جمله: پایان‌نامه فرحناز رحمانی (۲۰۱۹) این پایان‌نامه با عنوان "Gender and Migration from Afghanistan: An Analysis of Women's Empowerment and Migration" از دانشگاه آیدین استانبول است.

مقاله عباسی شوازی و صادقی (۲۰۱۵) با عنوان "Socio-cultural Adaptation of Second-generation Afghans in Iran" به سازگاری فرهنگی نسل دوم مهاجرین در ایران پرداخته است.

پژوهش (2022) Bassam Ahmad Siddiqui در قالب پایان‌نامه با عنوان "Afghan Refugees Their Economic Human Rights in Pakistan" از دانشگاه بحریه اسلام‌آباد است که به مسائل حقوق مهاجرین در پاکستان پرداخته است.

گزارش کوزر و مارسدن (۲۰۱۴) با عنوان "Migration and Displacement Impacts of Afghan Transitions in 2014" در قالب یک گزارش پژوهشی توسط برنامه تحقیقاتی مهاجرت به تأثیرات مهاجرت و جابجایی پرداخته است.



ختیره اصیل (2021) COMING TO AMERICA: AN AUTOETHNOGRAPHY OF A FIRST-GENERATION AFGHAN WOMAN NAVIGATING U.S. EDUCATION زن افغانستانی نسل اول در آمریکا است که تلاش کرده تجربیات تحصیلی خود را به‌عنوان یک زن افغانستانی در سیستم آموزشی آمریکا مورد بررسی قرار دهد و در این راستا به نقش زن و خانواده در چالش‌های موجود در این فرایند نیز اشاره کرده است.

هویت‌یابی زنان مهاجرِ نسل دوم افغانستانی‌تبار: تحلیل روایت جُستار «بی‌محتوا بودن فرم افغانی‌ام به‌شدت آزارم می‌داد» نوشته مارال رحیمی و سحر فائق (۲۰۲۴) به بررسی هویت زنان مهاجر نسل دوم افغانستان می‌پردازد. نویسندگان از روش تحلیل روایت استفاده کرده‌اند تا چالش‌های هویتی این زنان را در متن مهاجرت و تعامل با فرهنگ‌های مختلف تحلیل کنند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که این زنان در فضایی میان دو هویت ایرانی و افغانستانی قرار دارند و تجربه‌ای از سرگردانی هویتی را از سر می‌گذرانند. تفاوت مقاله حاضر در بررسی مسئله نقش زن افغانستانی در انتقال ارزش‌های فرهنگی بعد از مهاجرت است که پژوهش‌های مذکور به‌صورت ضمنی به آن پرداخته‌اند. این ویژگی اجازه داده است این مقاله به ابعاد مختلف بحث بپردازد. همچنین این مقاله از رویکرد میان‌رشته‌ای (جامعه‌شناسی، مطالعات فرهنگی و زنان) برای بررسی استراتژی‌های زنان افغانستانی در حفظ و ترویج فرهنگ در مهاجرت استفاده می‌کند. در مقابل، بسیاری از پژوهش‌های موجود یا دیدگاه تاریخی و سیاسی و ادبی دارند یا بر تجربیات فردی و هویتی یا صرفاً طرح مسئله تمرکز کرده‌اند. هرچند این مسئله بسیار عمیق و گسترده است و لازم است در این خصوص پژوهش‌های متعددی صورت گیرد.

۱. مهاجرت افغانستانی‌ها و نقش زنان

مهاجرت افغانستانی‌ها یکی از پدیده‌های اجتماعی عمده‌ای است که تأثیرات گسترده‌ای بر حیات اجتماعی و فرهنگی آنان و به‌خصوص زنان داشته است. در این بخش، به بررسی و تعریف مهاجرت افغانستانی‌ها و جایگاه زنان در این روند پرداخته می‌شود.

۱-۱. تعریف و بررسی مهاجرت افغانستانی‌ها

مهاجرت پدیده‌ای چندوجهی است که می‌توان آن را از زوایای گوناگون تعریف و تحلیل کرد. یکی از مؤلفه‌های کلیدی در درک این پدیده، تمایز میان مهاجرت اختیاری و اجباری است؛ تمایزی که بر عوامل دیگری چون گروه مهاجر، مقصد و اهداف مهاجرت تأثیر مستقیم دارد. مهاجرت افغانستانی‌ها در تاریخ معاصر، به‌ویژه در دهه‌های اخیر، عمدتاً تحت تأثیر عواملی چون جنگ‌های داخلی، بی‌ثباتی سیاسی و ناامنی گسترده بوده است. این عوامل، موج‌های پیاپی مهاجرت و پناهندگی را رقم زده‌اند. به‌ویژه پس از مداخلات نظامی خارجی و تداوم درگیری‌های داخلی، جامعه افغانستانی با موجی از جابجایی‌ها روبه‌رو شد که در نهایت به شکل‌گیری جوامع پراکنده اما پیوسته‌ای در نقاط مختلف جهان انجامید (Koser, Khalid). *noitisnarT dna sisirC, natsinahgfA ni ytiliboM dna cirotehR* (January 2014), p. 9.

مهاجرت افغانستانی‌ها را می‌توان به چندین دوره تاریخی تقسیم کرد. دوره اول به مهاجرت ناشی از تهاجم شوروی به افغانستان در دهه ۱۹۸۰ م. بازمی‌گردد که میلیون‌ها افغانستانی به کشورهای همسایه مانند پاکستان و ایران پناه بردند. دوره دوم مربوط به جنگ‌های داخلی در دهه ۱۹۹۰ م. است که موج دیگری از مهاجرت را ایجاد کرد. پس از سال ۲۰۰۱ م. با حضور نیروهای بین‌المللی در افغانستان، برخی مهاجران به کشور بازگشتند؛ اما ناامنی‌های مداوم و افزایش فعالیت‌های تروریستی موج جدیدی از مهاجرت را به دنبال داشت. Koser, Khalid. *noitisnarT dna sisirC, natsinahgfA ni ytiliboM dna cirotehR* (January 2014), p. 9.

بنابراین در تحلیل مهاجرت افغانستانی‌ها باید به این نکته توجه داشت که این مهاجرت، در بیشتر موارد، ماهیتی اجباری و اضطراری داشته و با مهاجرت‌های اختیاری نظیر مهاجرت تحصیلی که معمولاً با هدف بهبود وضعیت اقتصادی، علمی یا شغلی صورت می‌گیرد، تفاوت اساسی دارد. مهاجرت‌های تحصیلی یا حرفه‌ای غالباً توسط افرادی دارای پشتوانه علمی، مالی یا اجتماعی انجام می‌شود، در حالی که مهاجرت افغانستانی‌ها، به‌ویژه در دهه‌های اخیر، بیشتر به‌منظور فرار از بحران‌های امنیتی، سیاسی و اجتماعی بوده و



اغلب به صورت ناسازمان یافته و بدون آمادگی قبلی صورت گرفته است. در این میان، زنان افغانستانی که از نظر دسترسی به آموزش و منابع اقتصادی در موقعیتی ضعیف‌تر قرار دارند، با چالش‌های مضاعفی مواجه هستند. این در حالی است که زنان، نقش مهمی در پایداری خانواده و انتقال ارزش‌های فرهنگی دارند. مواجهه آنان با تغییرات اجتماعی، فرهنگی و هویتی در جوامع مهاجر، موضوعی حیاتی است که نیازمند بررسی دقیق و تحلیلی عمیق است.

۱-۲. جایگاه زنان در خانواده و جامعه مهاجر

زنان افغانستانی در فرایند مهاجرت، تنها نقش سنتی خود در خانواده را حفظ نمی‌کنند، بلکه مسئولیت‌هایی گسترده‌تر نیز بر عهده می‌گیرند. آن‌ها ستون انسجام خانواده در شرایط مهاجرت هستند و نقشی کلیدی در حفظ و انتقال ارزش‌های فرهنگی، دینی و اجتماعی به نسل‌های جدید ایفا می‌کنند. در بستر جوامع مهاجر، این زنان ناگزیرند با فرهنگ‌ها و ارزش‌های نو مواجه شوند و در این مسیر، میان مقاومت در برابر تغییر و تطبیق با شرایط جدید، انتخاب‌هایی دشوار داشته باشند.

چگونگی مواجهه زنان با این تغییرات، تا حد زیادی به سطح آگاهی، تحصیلات، و توان اقتصادی آنان بستگی دارد؛ مسائلی که متأسفانه در مورد بسیاری از زنان افغانستانی، در سطح مطلوبی نیست. این وضعیت، چالش‌های عمیقی در مسیر ایفای نقش فرهنگی و اجتماعی آنان پدید می‌آورد. با این حال، چالش‌ها می‌تواند به فرصت‌هایی برای رشد و خودآگاهی تبدیل شود، به شرط آن‌که با حمایت آگاهانه، آموزش‌های هدفمند و برنامه‌ریزی اجتماعی همراه باشد. در غیاب نهادهای فعال و مؤثر در داخل افغانستان، این مسئولیت باید به صورت خودجوش توسط کنشگران اجتماعی و سازمان‌های مهاجرمحور در کشورهای میزبان دنبال شود.

۲. ارزش‌های فرهنگی افغانستان؛ فرصت‌ها و چالش‌ها

انسان همواره نیازمند درکی روشن از خویشتن است و این درک در قالب «هویت» معنا می‌یابد. هویت ملی به عنوان بخشی بنیادین از هویت جمعی، ریشه در فرهنگ دارد؛

فرهنگی که در بستر زمان و مکان و در حافظه جمعی شکل گرفته و نهادینه می‌شود. هرچند تحول فرهنگی امری اجتناب‌ناپذیر و تدریجی است؛ اما سرعت و کیفیت این دگرگونی‌ها، به جهان‌بینی مسلط بر جامعه و تعریف آن از بایدها و نبایدهای اجتماعی وابسته است.

در این میان، عبور از برخی ارزش‌ها یا حفظ آن‌ها، اهمیت بسیاری می‌یابد. ارزش‌هایی همچون تعهد خانوادگی، عفت، حیا، و آداب و رسوم سنتی که بازتابی از تاریخ و هویت جمعی مردم افغانستان است، نقشی مهم در تعالی اجتماعی و حفظ انسجام فرهنگی ایفا می‌کند. با این حال، حفظ این ارزش‌ها تنها زمانی ممکن است که نسل جدید آن‌ها را معنادار و ارزشمند بداند. ارزش فرهنگی زمانی قدرت پایداری دارد که برای جامعه معاصر نیز قابل درک و قابل پذیرش باشد. در غیر این صورت، سخن از ارزشمندی آن، تنها در سطحی نمادین باقی خواهد ماند. از این رو، بازشناسی، بازتعریف و آگاه‌سازی جامعه نسبت به این ارزش‌ها، شرط ضروری برای تداوم هویت فرهنگی است؛ فرایندی که در دل مهاجرت، بیش از هر زمان دیگر، با چالش‌ها و البته فرصت‌هایی تازه مواجه است.

ارزش‌های فرهنگی و ملی در بازشناسی هویت جمعی و تعریف ارزش‌های اصیل می‌تواند در هویت بخشی به بخش بسیاری ابعاد وجود انسانی خدمت کند (رحیمی و فائقی، ۲۰۲۴: ۶۹). این ابعاد بعد از مهاجرت و دوری از زادگاه فرهنگ می‌تواند به چالش کشیده شود و البته فرصت‌هایی برای ایجاد ابعاد نوین ایجاد نماید. عبور یا حفظ آن نیازمند آگاهی و انرژی است.

۱-۲. تعریف ارزش‌های فرهنگی افغانستان

فرهنگ افغانستانی‌ها بر اساس چندین عنصر اساسی شکل گرفته است که شامل دین اسلام، زبان‌های محلی (پشتو و دری)، آداب و رسوم اجتماعی و هنرهای سنتی و بومی است. این ارزش‌ها در طول تاریخ به‌ویژه در دوران‌های پرچالش مانند جنگ‌ها و مهاجرت‌ها، به‌طور ویژه توسط زنان نگهداری و منتقل شده‌اند. زنان افغانستانی نه تنها به‌عنوان حافظان فرهنگ، بلکه به‌عنوان تسهیل‌کنندگان روند انتقال این فرهنگ به نسل‌های جدید، نقشی کلیدی دارند.



۲-۲. چالش‌های زنان افغانستانی در انتقال ارزش‌ها

مهاجرت همواره فرایندی پیچیده با ترکیبی از چالش‌ها و فرصت‌هاست؛ اما برای زنان افغانستانی، این تجربه ابعاد ویژه‌تری به خود می‌گیرد. هرچه چالش‌ها عمیق‌تر و گسترده‌تر باشد، امکان کشف فرصت‌های تازه نیز در دل آن‌ها بیشتر است. در دنیای امروز، آگاهی مهم‌ترین ابزار رشد و توانمندسازی تلقی می‌شود. با این حال، زنان افغانستانی در بسیاری از برهه‌های تاریخی، به‌ویژه در درون ساختارهای سیاسی و اجتماعی محدودکننده، از دسترسی به آموزش، آگاهی و توانمندی‌های فردی محروم مانده‌اند. این وضعیت که همچنان در افغانستان معاصر نیز با شدت ادامه دارد، آنان را در موقعیتی آسیب‌پذیر قرار داده است.

در جریان مهاجرت اجباری، این زنان با چالش‌های جدی در انتقال ارزش‌های فرهنگی مواجه می‌شوند. تضاد با ارزش‌های جوامع میزبان، نبود خودباوری نسبت به فرهنگ بومی، و کمبود آگاهی از مبانی اصیل دینی و فرهنگی، همگی زمینه‌ساز بحران‌های هویتی و سردرگمی فرهنگی می‌شوند. بسیاری از زنان، به‌ویژه در موضوعاتی مانند حقوق زنان و نقش‌های اجتماعی، ممکن است با تقابلی نیرومند میان آموزه‌های فرهنگ خود و ارزش‌های جامعه میزبان روبه‌رو شوند (Siddiqui, 2011: 55).

یکی از چالش‌های اصلی زنان افغانستانی در جوامع مهاجر، تطبیق با فرهنگ جدید و هم‌زمان حفظ هویت فرهنگی است. این چالش‌ها شامل محدودیت‌های زبانی، تفاوت‌های فرهنگی و تبعیض‌های اجتماعی و مشکلات اقتصادی به‌خصوص در کشورهای میزبانی که خود به لحاظ اقتصادی ضعیف است (Khan et al, 2024: 92)، می‌شود. به‌عنوان مثال، تحقیقی که توسط سازمان بین‌المللی مهاجرت (IOM) انجام شده است، نشان می‌دهد که بسیاری از زنان مهاجر افغانستانی در کشورهایی مانند ایران و پاکستان با محدودیت‌های قانونی و اجتماعی مواجه هستند که بر توانایی آن‌ها برای مشارکت در جامعه و انتقال فرهنگ تأثیر می‌گذارد (IOM, 2020). رحمانی در پایان‌نامه‌ای که در دانشگاه آیدین استانبول انجام داده است به چالش‌های زنان افغانستانی در دوران طالبان و زنان مهاجر در برخی کشورها از جمله ترکیه، ایران و پاکستان پرداخته شده است؛ تبعیض اجتماعی و فرهنگی ناشی از تفاوت ارزش‌ها و هنجارهای بین دو جامعه، یکی از مشکلات اصلی زنان افغانستانی است.



این زنان همچنین با مشکلات اقتصادی نظیر دشواری در یافتن شغل مناسب به دلیل موانع زبانی و کمبود فرصت‌های شغلی مواجه‌اند. تبعیض جنسیتی در محیط کار و جامعه، توانایی آن‌ها را برای پیشرفت محدود می‌کند. عدم دسترسی کافی به خدمات اجتماعی، آموزشی و بهداشتی به دلیل وضعیت قانونی نامشخص و موانع زبانی نیز بر زندگی این زنان تأثیر منفی دارد. علاوه بر این، اختلافات فرهنگی میان جامعه میزبان و مهاجر می‌تواند به بحران هویت و مشکلات در ادغام فرهنگی منجر شود. با این وجود، زنان افغانستانی در این چالش‌ها نقشی فعال داشته و تلاش می‌کنند از فرصت‌های موجود برای بازتعریف نقش‌های خود و تقویت توانمندی‌ها استفاده کنند (ص ۷۸-۳۵، Rahmani, 2019).

Bassam Ahmad Siddiqui در پایان نامه ارشد خود در مورد حقوق مهاجرین افغانستانی مقیم پاکستان نوشته شده است به نقش زنان در مسئله مواجهه با چالش‌های مهاجرت پرداخته است. از جمله چالش‌های مهم، مسئله حقوق اجتماعی و اقتصادی است که عاملی اساسی در مواجهه با چالش‌های مختلف بعد از مهاجرت محسوب می‌شود (p:۲۶).

۲-۳. فرصت‌های مهاجرت برای بازتعریف ارزش‌های فرهنگی

با وجود چالش‌ها، مهاجرت می‌تواند فرصتی برای زنان افغانستانی فراهم کند تا نقش‌های جدیدی را تجربه کنند. همچنین مهاجرت می‌تواند فرصتی برای بازتعریف ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی زنان افغانستانی باشد. بررسی نقش زن افغان در فرهنگ اصیل افغانستان، موضوع بسیار پر دامنه‌ای است. یکی از چالش‌های مهم در خصوص زن افغان، نادیده گرفتن حقوق آنان است. در بسیاری از جوامع مهاجر، زنان افغانستانی توانسته‌اند با به دست آوردن حقوق اجتماعی از جمله تحصیل و اشتغال، تحولی عظیم در این فرهنگ به وجود آورند.

در جوامع مهاجر، برخی از زنان توانسته‌اند به آموزش و مهارت‌آموزی دست یابند و به عنوان نمایندگان فرهنگی جامعه خود عمل کنند. به عنوان مثال، در اروپا، زنان افغانستانی با ایجاد گروه‌های اجتماعی و فرهنگی به حفظ و انتقال فرهنگ افغان کمک کرده‌اند

(Schmeidl & Maley, 2016, p: 45)



مهاجرت می‌تواند فرصتی برای بازنگری و بازتعریف ارزش‌های فرهنگی باشد. در این فرایند، زنان افغانستانی می‌توانند با ترکیب ارزش‌های مثبت فرهنگ میزبان با سنت‌های اصیل خود، هویتی چندبعدی برای نسل‌های آینده ایجاد کنند. به‌عنوان مثال، در برخی از جوامع مهاجر افغانستانی، زنان توانسته‌اند با ایجاد گروه‌های اجتماعی و فرهنگی، سنت‌های خود را به‌شکلی مدرن‌تر ارائه دهند و از این طریق نسل جدید را به فرهنگ خود علاقه‌مند کنند (Bakhshi & Hosseinzadeh, 2021) از جمله در پایان نامه رحیمی به این مطلب اشاره شده است. زنان مهاجر افغانستانی در ترکیه علاوه بر چالش‌ها، با فرصت‌های مهمی نیز مواجه هستند. مهاجرت به آن‌ها امکان بازتعریف نقش‌های اجتماعی و حرفه‌ای را می‌دهد که در افغانستان محدود بوده است. برخی از زنان از فرصت‌های آموزشی در ترکیه بهره‌مند شده و توانسته‌اند مهارت‌های جدیدی کسب کنند که به توانمندسازی آن‌ها کمک می‌کند. محیط اجتماعی ترکیه به زنان فرصت بیشتری برای دسترسی به حقوق و فرصت‌های برابر فراهم کرده است. همچنین مهاجرت امکان تقویت شبکه‌های اجتماعی و ایجاد ارتباطات جدید را برای این زنان فراهم می‌کند که به ادغام بهتر آن‌ها در جامعه میزبان کمک می‌کند. زنان افغانستانی همچنین تلاش می‌کنند فرهنگ و ارزش‌های خود را حفظ کرده و به نسل‌های بعدی منتقل کنند که این فرایند می‌تواند به تقویت هویت فرهنگی در یک محیط جدید منجر شود (Rahmani, 2019: 75).

۳. ابزارها و راهکارهای انتقال ارزش‌های فرهنگی

انتقال ارزش‌های فرهنگی، در جهانی که امروز در آن به سر می‌بریم، امر پیچیده‌ایست. در اینجا سعی می‌کنم به برخی امور اشاره کنم.

۳-۱. آموزش ارزش‌ها

آموزش یکی از مؤثرترین ابزارها در حفظ و انتقال ارزش‌های فرهنگی محسوب می‌شود. در میان جوامع مهاجر، زنان افغانستانی نقشی کلیدی در این فرایند ایفا می‌کنند و می‌توانند از طریق آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم، در تثبیت و تداوم ارزش‌های اصیل فرهنگی نقش‌آفرینی کنند. تلاش برای حفظ زبان مادری، ترویج اخلاقیات اسلامی، تقویت احترام



به والدین و بزرگ‌ترها، و پاسداشت عفت و حیای مؤمنانه، از جمله اقداماتی است که نسل جدید در بستر آموزش رسمی و غیررسمی دنبال می‌کند. با این حال، حضور رسانه‌ها و محتوای فرهنگی غالب در جوامع میزبان، که گاه با ارزش‌های سنتی و دینی در تضاد است، چالش‌هایی جدی برای این انتقال ایجاد کرده است. در چنین فضایی، آموزش تنها در صورتی مؤثر است که با رشد آگاهی، خودباوری و توانمندسازی زنان همراه شود. تنها با بهره‌گیری از ظرفیت‌های آموزشی و فرهنگی و با مشارکت فعال مادران، مربیان و نهادهای اجتماعی، می‌توان به حفظ ارزش‌های فرهنگی در نسل‌های بعدی امیدوار بود.

۲-۳. حفظ زبان مادری

زبان مادری یکی از ستون‌های بنیادین هویت فرهنگی است و نقش مهمی در انتقال ارزش‌ها، باورها و سنت‌های فرهنگی ایفا می‌کند. در جوامع مهاجر، زنان افغانستانی با آموزش زبان مادری به فرزندان خود، تلاش می‌کنند پیوند میان نسل‌ها را حفظ کرده و از گسست فرهنگی جلوگیری کنند. این فرآیند اغلب از طریق برگزاری کلاس‌های غیررسمی، برنامه‌های آموزشی خانگی، یا مشارکت در مدارس فرهنگی مهاجران صورت می‌گیرد. مطالعه‌ی خیره اصیل (۲۰۲۱) نشان می‌دهد که آموزش زبان مادری یکی از مؤثرترین ابزارهای حفظ هویت فرهنگی افغانستانی‌ها در مهاجرت است. وی همچنین بر اهمیت برنامه‌های آموزشی‌ای که بازتاب‌دهنده ارزش‌های فرهنگی و دینی باشد، تأکید کرده است. زنان افغانستانی، به‌ویژه مادران، نقش فعالی در این مسیر دارند. آن‌ها با برگزاری کلاس‌های آموزش زبان، قرآن، و مفاهیم فرهنگی-اسلامی، سهم چشمگیری در انتقال فرهنگ به نسل‌های جدید ایفا می‌کنند. این تلاش‌ها نه تنها به تداوم هویت فرهنگی کمک می‌کند، بلکه موجب تقویت انسجام اجتماعی درون جامعه مهاجر نیز می‌شود. در این میان، مدارس، مراکز فرهنگی و نهادهای آموزشی نیز می‌توانند نقش حمایتی مهمی در تداوم زبان و فرهنگ مادری ایفا کنند. آموزش به‌عنوان یکی از پایه‌های اصلی شکل‌گیری هویت، بستر مناسبی برای حفظ ارزش‌های فرهنگی در بستر مهاجرت فراهم می‌آورد.



۳-۳. تعاملات اجتماعی و برگزاری آیین‌های سنتی و دینی

مشارکت زنان در برگزاری آیین‌ها و مناسک دینی نه تنها به حفظ دین و فرهنگ کمک می‌کند، بلکه موجب تقویت هویت جمعی مهاجران افغانستانی می‌شود. زنان افغانستانی در جوامع میزبان، با برگزاری نماز جماعت، جشن‌های اسلامی و فعالیت‌های اجتماعی دیگر، محیطی فرهنگی و دینی برای نسل‌های جدید فراهم می‌آورند (Kakar, 1995).

زنان افغانستانی از طریق برگزاری آیین‌های سنتی مانند جشن‌های دینی، عروسی‌های محلی و مراسم‌های عزاداری، به حفظ و انتقال ارزش‌های فرهنگی کمک می‌کنند. این فعالیت‌ها، علاوه بر تقویت هویت فرهنگی، به ایجاد همبستگی اجتماعی در جوامع مهاجر کمک می‌کند. همچنین زنان با آموزش زبان مادری به فرزندان خود و تأکید بر اهمیت آن، نقش مهمی در حفظ هویت زبانی ایفا می‌کنند (Wardak, 2018).

تشکیل هیئت مذهبی و شرکت فعالانه بانوان در این مراسمات مذهبی، ظرفیت بسیار بالایی برای انتقال فرهنگ اصیل افغانستانی و اسلامی را دارا است. باید توجه داشت که این جلسات صرفاً ساعاتی برای موعظه نباشد. به طور مثال این جلسات می‌تواند شبکه‌هایی برای رواج فرهنگ کتابخوانی در میان بانوان با سطوح مختلف باشد. تقویت انجمن‌های زنانه و روابط نشاط‌آور و سالم در شکل متعالی آن موجبات رشد و تقویت و عزت نفس را فراهم می‌آورد؛ ضرورتی که ابتدا خود زن و در مرحله بعد در انتقال ارزش به خانواده به آن نیازمند است. وجهی از زنانگی که حتی توسط خود زنان کوچک شمرده می‌شود و به بیراهه رفته است.

۳-۴. رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی

رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی ابزارهای جدیدی است که همانند تیغ دو لبه عمل می‌کند؛ یعنی هم قابلیت فروپاشی فرهنگ را دارد و هم می‌تواند ابزاری در خدمت انتقال فرهنگ باشد. زنان افغانستانی می‌توانند از آن‌ها برای انتقال ارزش‌های فرهنگی استفاده کنند. ایجاد محتوای فرهنگی و آموزشی در شبکه‌های اجتماعی، مانند ویدئوهای آموزشی، پادکست‌ها و صفحات اجتماعی، فرصت مناسبی برای معرفی فرهنگ افغانستانی به نسل جوان است. به عنوان مثال، برخی از زنان افغانستانی مهاجر با مدیریت صفحات فرهنگی در اینستاگرام، توانسته‌اند محتوای غنی در زمینه ارزش‌های بومی و دینی ارائه دهند.

۴. نمونه‌های موفق و تجارب بین‌المللی

در این بخش به بررسی نمونه‌های موفق از زنان افغانستانی در انتقال فرهنگ و مقایسه آن‌ها با تجربیات دیگر جوامع مهاجر می‌پردازیم. هدف این بخش ارائه راهکارهایی مبتنی بر تجربیات موفق و تحلیل نقاط قوت و ضعف در فرایند انتقال فرهنگ توسط زنان افغانستانی است.

۴-۱. بررسی نمونه‌های موفق از زنان افغانستانی در انتقال فرهنگ

برخی از زنان افغانستانی توانسته‌اند با استفاده از منابع محدود، به‌طور مؤثر ارزش‌های فرهنگی خود را حفظ کنند و به نسل‌های جدید انتقال دهند. این تجارب موفق می‌تواند به‌عنوان مدل‌هایی برای سایر زنان افغانستانی در جوامع مهاجر استفاده شود (Yousaf, 2013). اکنون در بسیاری از شهرهای مختلف اروپایی و آمریکایی که افغانستانی‌ها در آن مقیم هستند، مراکز فرهنگی و حسینی‌هایی در آن فعال است که زنان افغانستانی در آن نقش محوری دارند.

هرچند ذکر نمونه‌هایی که در تدریس‌های مجازی داشته‌ام، نمی‌تواند استقرائی ناقص هم به حساب آید؛ اما مایل‌م در مورد این تجارب بنویسم. مشاهدات من نشان می‌دهد خانواده‌هایی که به امر آموزش و پایبندی‌های فرهنگی و مذهبی توجه نشان می‌دهند و از ظرفیت‌های مجازی و غیرمجازی برای تقویت فرهنگ افغانستانی و اسلامی استفاده کرده‌اند، در تربیت فرزند بسیار موفق عمل کرده‌اند.

۴-۲. مقایسه با دیگر جوامع مهاجر

برای تقویت فهم و تحلیل نقش زنان افغانستانی در انتقال فرهنگ، می‌توان به تجربیات زنان سایر جوامع مهاجر نیز پرداخت. در این بخش، مقایسه‌ای بین تجربیات زنان افغانستانی و سایر زنان مهاجر در جوامع مختلف انجام خواهد شد تا الگویی جامع از بهترین روش‌های انتقال فرهنگ در جوامع مهاجر استخراج گردد. نمونه زنان سوری، پاکستانی و ایرانی مهاجر در کشورهای مختلف می‌تواند موجب تحلیل عمیق‌تر و نگرش جامع‌تری نسبت به نقاط ضعف و قوت و همچنین الهام‌بخش زنان افغانستانی در این عرصه باشد.



برای مقایسه نقاط قوت زنان مهاجر سوری، ایرانی و پاکستانی با زنان افغانستانی، باید به عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و تاریخی جوامع آن‌ها در مهاجرت توجه کرد. در اینجا به صورت تحلیلی و مستند نقاط قوت این زنان در مقایسه با زنان افغانستانی بررسی می‌شود:

۴-۲-۱. نقاط قوت زنان مهاجر سوری

الف. تجربه در استفاده از هنرهای دستی و صنایع فرهنگی: زنان سوری به طور گسترده از هنرهای دستی (مثل بافتنی و قلاب‌دوزی) و آشپزی سنتی، به عنوان منبع درآمد در کشورهای میزبان استفاده می‌کنند. این مهارت‌ها، هم به هویت فرهنگی آن‌ها کمک می‌کند و هم زمینه‌ای برای استقلال اقتصادی فراهم می‌آورد (Schmeidl & Maley, 2016).

ب. حمایت‌های بین‌المللی: بحران پناهندگان سوری توجه جهانی را به خود جلب کرده و سازمان‌های بین‌المللی مانند UNHCR و NGO ها حمایت‌های ویژه‌ای به زنان سوری ارائه داده‌اند که فرصت‌های بیشتری برای توانمندسازی آن‌ها ایجاد کرده است.

ج. پذیرش فرهنگی در کشورهای میزبان: زنان سوری به دلیل شناخت نسبی فرهنگ کشورهای میزبان (به ویژه در خاورمیانه و اروپا) و شباهت‌های زبانی و دینی، توانسته‌اند سریع‌تر با جامعه میزبان تعامل کنند.

۴-۲-۲. نقاط قوت زنان مهاجر ایرانی

الف. داشتن امکانات لازم: مهاجرت زنان ایرانی به دلایل متعددی صورت می‌گیرد که جستجوی امکانات مادی و تحصیلی و آزادی‌های اجتماعی از جمله اصلی‌ترین این دلایل است. در واقع، این دلایل می‌تواند تأثیرات زیادی بر قدرت زنان ایرانی در کشورهای میزبان و همچنین در روند تحقق اهداف فردی و اجتماعی آن‌ها داشته باشد. همین نکته معادلات بسیار متفاوتی را در ادامه مهاجرت و توانمندی‌های آنان رقم خواهد زد.

ب. سطح بالای آموزش: زنان ایرانی که اقدام به مهاجرت می‌کنند، معمولاً از سطح تحصیلات بالاتری برخوردار هستند. به دلیل سابقه تحصیلی، آشنایی با زبان نیز جزء توانایی‌های آنان است. این موضوع دسترسی به فرصت‌های شغلی و اجتماعی را برای آن‌ها آسان‌تر کرده است. همچنین تحصیلات، اعتماد به نفس بیشتری برای ادغام در جامعه میزبان

به آن‌ها داده است (Bozorgmehr, M., & Sabagh, G. (1988), 21 (3-4), 5-36).

ج. شبکه‌های گسترده مهاجران: ایرانیان در جوامع مختلف، شبکه‌های مهاجرتی قوی و سازمان‌یافته‌ای دارند. این شبکه‌ها به زنان کمک می‌کند تا سریع‌تر در جامعه میزبان مستقر شوند و از حمایت‌های اجتماعی و فرهنگی بهره ببرند.

د. استفاده از هنر و رسانه: زنان ایرانی از ابزارهایی مانند فیلم‌سازی، موسیقی و رسانه‌های اجتماعی برای معرفی فرهنگ و هویت خود استفاده می‌کنند. این مسئله باعث شده است که هویت فرهنگی آن‌ها در کشورهای میزبان بهتر شناخته شود.

۴-۲-۳. نقاط قوت زنان مهاجر پاکستانی

الف. پیوستگی جوامع مهاجر: زنان پاکستانی به دلیل ساختارهای قوی خانوادگی و اجتماعی، در جوامع میزبان حمایت بیشتری دریافت می‌کنند. این پیوستگی اجتماعی، حس امنیت و اعتماد به نفس بیشتری برای آن‌ها ایجاد می‌کند.

ب. تسلط به زبان انگلیسی: زنان پاکستانی به دلیل آشنایی نسبی با زبان انگلیسی (به‌عنوان زبان دوم در پاکستان) راحت‌تر می‌توانند در جوامع میزبان مشارکت کنند. این مهارت زبانی به آن‌ها اجازه می‌دهد که در مدارس، رسانه‌ها و انجمن‌های اجتماعی نقش فعال‌تری ایفا کرده و ارزش‌های فرهنگی خود را به نسل بعدی منتقل کنند. در کشورهای غیر انگلیسی‌زبان این مشکل برای پاکستانی‌ها نیز مطرح است که اشرف در بخشی از پژوهش خود بر مهاجرین پاکستانی مقیم نروژ به این مسئله اشاره کرده است (اشرف، ۲۰۱۸: ۶۷).

۴-۲-۴. نقاط ضعف زنان مهاجر افغانستانی در مقایسه با دیگر زنان مهاجر

الف. سطح پایین‌تر آموزش: بسیاری از زنان افغانستانی به دلیل محدودیت‌های فرهنگی و جنگ، دسترسی کمتری به آموزش داشته‌اند که این امر توانایی آن‌ها را در یافتن فرصت‌های شغلی یا تعامل اجتماعی محدود کرده است (Rahmani, 2019).

ب. تبعیض گسترده‌تر: زنان افغانستانی به دلیل کلیشه‌های فرهنگی و عدم آشنایی با زبان جامعه میزبان، بیشتر از زنان سوری، ایرانی یا پاکستانی در معرض تبعیض قرار می‌گیرند.

ج. حمایت‌های کمتر بین‌المللی: بحران‌های مداوم و طولانی مدت در افغانستان باعث



شده که توجه جهانی به مسائل زنان افغانستانی نسبت به زنان سوری کمتر باشد. در مقایسه با بحران افغانستان، بحران سوریه به دلیل ابعاد رسانه‌ای و حساسیت‌های پناهیجویان آن برای اروپا، توانسته توجه بیشتری را به وضعیت زنان این کشور جلب کند.

۵. ارائه راهکارهای

برای تقویت این نقش و تبدیل چالش به فرصت، راهکارهایی ضروری است: تأمین آموزش رسمی و غیررسمی در جوامع مهاجر از جمله مهارت‌های زندگی و آموزش‌های درآمدزا می‌تواند به تقویت فرهنگی و اجتماعی آنان کمک کند. زنان قوی، یکی از ضروریات برون‌رفت از وضعیت نابسامان افغانستان اعم از داخل و خارج از کشور است؛ زیرا مردان قوی نیز در دامن زنان قوی پرورش می‌یابند. برگزاری مراسمات فرهنگی، آیین‌ها و جشن‌های فرهنگی موجب تقویت روحیه همبستگی و ملی در جوامع میزبان خواهد شد. تشکیل انجمن‌های فرهنگی در سامان بخشی این مراسمات و جنبش‌ها می‌تواند موجب هموار شدن مسیر و تحقق اهداف گردد. حمایت‌های قانونی و اجتماعی و فراهم کردن بستری برای حضور زنان در اجتماع موجب تقویت فرهنگ را فراهم می‌آورد.

مهاجرت فرصتی برای بازتعریف نقش‌های اجتماعی و فرهنگی زنان افغانستانی است. با وجود چالش‌های موجود، زنان می‌توانند با بهره‌برداری از فرصت‌های جدید، نه تنها فرهنگ خود را حفظ کنند، بلکه نقشی مؤثر در تقویت هویت فرهنگی و تعالی نسل‌های آینده و برون‌رفت از وضعیت آشفته کنونی ایفا کنند. عبور از سنت‌ها و فرهنگ‌هایی که در خدمت تعالی نیستند و حفظ سنت‌ها و فرهنگ‌های خادم باید از اهداف زنان مهاجر باشد.

نتیجه‌گیری

نقش زنان افغانستانی در انتقال ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی به نسل‌های جدید در بحران‌های جنگ و به‌ویژه در مهاجرت، یکی از موضوعات کلیدی در مطالعات مهاجرت و هویت فرهنگی است. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که هرچند مهاجرت چالش‌های متعددی در ابعاد مختلف و از جمله فرهنگ ایجاد کرده است؛ اما نباید فرصت‌های

بازخوانی و رشد به وجود آمده در این بحران را ناپیده گرفت. زنان افغانستانی با وجود سطح پایین آموزش، موانع زبانی و حمایت کمتر از سوی جوامع بین‌المللی و با وجود چالش‌هایی نظیر تضاد فرهنگی، تبعیض‌های اجتماعی و تغییرات هویتی نقش کلیدی خود را در انتقال ارزش‌های فرهنگی اصیل اسلامی و افغانستانی ایفا می‌کنند؛ اما برای ایفای بهتر این نقش باید از موانع مذکور عبور کرد و زن افغانستانی را در این مهم یاری رساند. زنان افغانستانی با ابزارهایی همچون آموزش زبان مادری، برگزاری آیین‌های فرهنگی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی، فرهنگ خود را حفظ و به نسل‌های جدید منتقل می‌کنند. موانع و چالش‌ها در واقع نقاط ضعفی است که قابلیت تبدیل شدن به نقطه قوت و فرصت را داراست و ارزشمند است برای این تبدیل تلاش صورت گیرد و به آن توجه شود.



فهرست منابع

الف. منابع فارسی

۱. رحیمی، مارال وفانقی، سحر، (۲۰۲۴)، هویت‌یابی زنان مهاجرِ نسل دوم افغانستانی تبار: تحلیل روایت جُستار «بی‌محتوابودن فرم افغانی‌ام به‌شدت آزارم می‌داد». پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۱۳(۴)، ۶۷-۹۲.

ب. انگلیسی

2. Ashraf, S. (2018). Social and Cultural Integration Challenges Among Pakistani Women Immigrants in Norway (Master's thesis). MF Norwegian School of Theology. Retrieved.
3. Muhammad S. Khan¹, Wu Zongyou¹, Yao Dewei¹, Ibrahim², Aman Khan³ and Anastasiia Pavlova, socioeconomic challenges facing Afghan women refugees in Khyber, Pakhtunkhwa, Pakistan. Khan et al. Socioeconomic challenges facing Afghan women refugees
4. African Journal of Reproductive Health May 2024; 28 (5) 94
5. Rahmani, F. (2019). Gender and migration from Afghanistan: An analysis of women's empowerment and migration (Master's thesis). Istanbul Aydın University, Department of Political Science and International Relations.
6. Koser, Khalid. *dna cirotehR :naštinahgfa ni ytiliboM dna sisirC ,noitisnarT ytilaeR*. International Organization for Migration (IOM), January 2014 Rahmani, F. (2019). *fo sisylanA nA :naštinahgfa morf noitargiM dna redneG noitargiM dna tnemrewopmE s'nemoW*. M.A. Thesis, Istanbul Aydın University, Institute of Social Sciences.
7. Yousaf, Z. (2013). *Gender and Identity in the Afghan Diaspora*. Diaspora Studies Quarterly.
8. Siddiqui, B. A. (2022). *ni sthgir namuh cimonoce rieht dna seegufer nahgfa nastikaP* (LLM Thesis). Bahria University, Islamabad, Pakistan.

9. Schmeidl, S., & Maley, W. (2016). Afghan Women in Europe: Cultural Preservation and Identity. *Journal of Migration Studies*.
10. Bozorgmehr, M., & Sabagh, G. (1988). High-status immigrants: A statistical profile of Iranians in the United States. *Iranian Studies*.